

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ولادیمیر ساجین - Vladimir Sajine

برگردان از: حمید محوی

۰۳ مارچ ۲۰۱۵

مسألة هسته ئی ایران، موضوع بحث و جدل بین ایالات متحده و اسرائیل ؟



موضوع برنامه هسته ئی ایران پس از دو رویداد، دوباره به خبر داغ صفحه اول رسانه ها تبدیل شد

۲۴ فبروری، روزنامه بریتانیائی گاردین گزارشاتی درباره فعالیت هسته ی ایران منتشر کرد که مبتنی بود بر افشاگری های سرویس های اطلاعاتی اسرائیل و آفریقای جنوبی. تقریباً هم زمان، مخالفان ایرانی (مترجم: یعنی گروه ضد ایرانی مجاهدین خلق ایران) اعلام کردند که تهران به شکل مخفیانه در یک سایت زیر زمینی، و با وجود گفت و گو با ۶ میانه جی گر بین المللی، در حال ساخت سلاح اتمی است. (۱)

در این مدت اخیر، از این گونه افشاگری ها و جنجال های اطلاعاتی کم اتفاق نمی افتد و حتی می توانیم بگوئیم که به امری عادی به مفهوم «سنجه» (نرم) تبدیل شده است. ولی در مورد گزارشات اخیر، باید به انتخاب زمان انتشار — افشاگری — این اطلاعات توجه داشته باشیم.

داده های سرّی آژانس اطلاعاتی اسرائیل (موساد) که توسط روزنامه منتشر شد در تضاد با چندین بیانیه نخست وزیر اسرائیل بنیامین نتانیا هو قرار می گیرد که مدعی بود ایران به نقطه حساسی رسیده و بی درنگ بمب اتمی اش

را خواهد ساخت. در سال ۲۰۱۲ وقتی بنیامین نتانیاهو در سازمان ملل متحد در سخنرانی جنجالی اش اعلام کرد که ایران ظرف یک سال آینده بمب اتمی خواهد ساخت، سرویس مخفی خودش با او موافق نبود.

در اینجا گزیده ای از گزارش مخفی موساد را در آن دوران یادآور می شویم: «گرچه ایران اورانیوم غنی شده ۵٪ به اندازه کافی در اختیار دارد، یعنی مقداری که برای ساخت چندین بمب کافی خواهد بود، و بخشی از آن را نیز تا ۲۰٪ غنی کرده اند، ولی به نظر می رسد که ایران هنوز برای غنی کردن با درسد بیشتر آماده نیست. ایران بخشی از این اورانیوم را برای تولید سوخت هسته‌ئی برای دو رآکتور پژوهشی در تهران استفاده می کند، در نتیجه مقدار اورانیوم با میزان ۲۰٪ غنی سازی افزایش پیدا نکرده است.»

پیش از همه باید دانست که اورانیوم باید تا ۹۰٪ غنی شود تا برای شارژ بمب اتمی کفایت کند. سپس، ایرانی ها اورانیوم ۲۰٪ را کاهش دادند به اورانیوم ضعیف شده تبدیل کردند تا به عنوان سوخت برای رآکتورهایشان استفاده کنند، یعنی موردی که مطابق توافقات ژنیو در سال ۲۰۱۳ بود، یعنی در « طرح حرکت مشترک ».

تمام مواردی که در این گزارش مطرح شده کاملاً صحیح است. ولی یک پرسش باقی می ماند: چرا اطلاعات مرتبط به دو سال پیش تنها امروز در پایان ماه فیبروری ۲۰۱۵ منتشر شده است؟ مطمئناً به این علت که روز ۳ مارچ، بنیامین نتانیاهو می خواهد در کنگره امریکا سخنرانی کند و قصد دارد برنامه هسته‌ئی ایران و گفت و گو های میانجی گران بین المللی با ایران را در مورد مسأله هسته‌ئی قویاً مورد انتقاد قرار دهد. نخست وزیر اسرائیل قول داده است تا تمام امکانات خود را برای جلوگیری از امضای توافقات آینده در مورد حل مسأله هسته‌ئی ایران به کار ببندد.

دولت اوپاما که تمام قدرت سیاسی خود را برای امضای توافق کلی و مشخص بین گروه ۱+۵ (روسیه، ایالات متحده، چین، بریتانیا، فرانسه به علاوه المان) با ایران به کار بست، بیم دارد که سخنرانی رهبر اسرائیل در کنگره گفت و گوهای مشکل آمیز و حساس کنونی بین تهران و ۱+۵ را با شکست روبه رو سازد.

وزیر امور خارجه امریکا جان کری اعلام کرد که موضع گیری نخست وزیر اسرائیل «می تواند اشتباه باشد». «اسرائیل در حال حاضر از دوران امضای «طرح حرکت مشترک» خیلی بیشتر در امنیت به سر می برد، که نخست وزیر اسرائیل با آن مخالفت می کرد. او در اشتباه بود.»

بعید نیست که انتشار اطلاعات سری موساد و سرویس های اطلاعاتی افریقای جنوبی در روزنامه گاردین برای خنثی کردن سخنرانی آینده بنیامین نتانیاهو در واشنگتن انجام گرفته باشد.

پاسخ طرفداران نخست وزیر به انتشار این اطلاعات خیلی فوری صورت گرفت. نمایندگی اپوزیسیون ایرانی توسط «شورای ملی مقاومت» (یا «مرکز ملی مقاومت ایران») (۲) یعنی تشکیلاتی که سازمان مجاهدین خلق ایران نقش اصلی را به عهده دارد، تصمیم گرفت تا ثابت کند که تهران از سال ها پیش جامعه بین الملل را گول زده است. مخالفان ایرانی مدعی شده اند که از سال ۲۰۰۸ جمهوری اسلامی ایران مخفیانه به غنی سازی اورانیوم در سایت لویزان ۳ در حومه شمالی تهران که در اعماق زمین واقع شده ادامه داده است. در این سایت در عین حال پژوهش های هسته‌ئی و توسعه به وسیله سانتریفوژهای پیشرفته IR-2m و IR-4 انجام می گیرد.

بیانیه های شورای ملی مقاومت تا کنون تأیید نشده است. با این وجود، گویا این سازمان در جامعه اتمی ایران دارای منابعی می باشد: این سال های اخیر اعضای آن چندین بیانیه منتشر کردند — که بعداً تأیید شد — در باره فعالیت های متنوع تهران. بی آن که وارد جزئیات اعلامیه های این مخالفان شویم، باید توجهمان را روی زمان برگزیده برای انتشار آن متمرکز سازیم، زیرا انتخاب وقت انتشار بیانیه (ابن الوقت) اتفاقی نبوده است.

این یکی از کارت های اصلی تبلیغاتی، هدیه ای برای نتانیاهو در خرابکاری علیه تمام توافقات هسته ای ممکن با ایران بوده است.

از سوی دیگر، بالا گرفتن فعالیت های اسرائیل علیه توافقات هسته ای در عین حال هدیه ای است برای مخالفان رئیس جمهور روحانی در ایران که مانند طرفداران نخست وزیر اسرائیل خواهان هیچ توافقی با ۱+۵ نیستند. از این پس می توانیم منتظر باشیم که مخالفان رؤسای جمهور ایران و ایالات متحده بیش از پیش کارت های ضد ریاست جمهوری خود را در بازی های سیاسی روی میز بگذارند.

بی گمان، مسأله هسته ای ایران پیش از هر موضوع دیگری به اختلاف نظر در مناسبات بین دو مرد سیاسی، بارک اوباما و بنیامین نتانیاهو تبدیل شده است.

در مورد مناسبات ایالات متحده و اسرائیل، اختلافات شخصی رهبران کنونی پیوندهای عمیق و تنگناگ دو دولتی که منافع مشترک بسیاری در منطقه و در جهان دارند را مخدوش نخواهد ساخت.

لینک متن اصلی در سایت اسپوتنیک

<http://fr.sputniknews.com/analyse/20150301/1014936796.html#ixzz3TCZB6jDc>

مترجم : مراجعه شود به مقاله زیر در گاهنامه هنر و مبارزه

(۱) [مذاکرات پایان ناپذیر پیرامون مخالفت امپریالیست ها با استقلال انرژی ایران و گله سگ های خانه زاد](#)

(۲) (CNRI)le Centre national de la résistance iranienne

پی نوشت مترجم:

نوشته حاضر در گسترش مطالبی می گوید که پیش از این در ۲۵ فبروری در مقاله [مذاکرات پایان ناپذیر پیرامون مخالفت امپریالیست ها با استقلال انرژی ایران و گله سگ های خانه زاد](#) مطرح کردم.

فکر می کنم یکی از مهمترین مطالبی که تحلیل گر روسی مطرح کرده است، موضوع انتخاب زمان انتشار «افشاگری» از سوی «شورای مقاومت ملی» است، نام بی مسامی برای سازمان مجاهدین خلق...

در اینجا به روشنی می بینیم که این به اصطلاح «شورای مقاومت ملی» یا «سازمان مجاهدین خلق ...» تا چه اندازه به دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی و صهیونیستی تعلق دارد، تا این که بتواند به عنوان یک گروه واقعاً مخالف ایرانی را تشکیل دهد. با این وجود سیاست های غرب امپریالیستی به ویژه از دوران جنگ های چریکی در افغانستان علیه شوروی و سپس جنگ علیه لیبیا برای سرنگونی قذافی، و سپس مداخله نظامی در سوریه، بیشتر بر این اساس بوده است که گروه های تروریست (اخوان المسلمین و القاعده) را به عنوان اپوزیسیون ضد دیکتاتور... معرفی کنند.

روشن است که از سیاست های امپریالیستی و تجاوزکارانه نمی توانیم انتظار داشته باشیم که پیشگامان واقعی و یا تشکیلات و جریان های مترقی را در رابطه با کشورهایی که هدف گرفته اند، به عنوان مخالف یا اپوزیسیون در رسانه ها معرفی کنند و یا مسائل و مشکلاتی را که آنها مطرح می کنند در صفحه اول و یا آخر نشریاتشان منتشر کنند. بلکه دار و دسته هایی را به میدان می آورند که خودشان تأمین مالی کرده اند و بر اساس نیازهای خودشان از آنها بهره برداری می کنند.

ترفند تبلیغاتی اغلب این مزدورانی که حاضر به خیانت به کشورشان شده اند، بر این اساس است که همواره از ضعف ها و ارتجاع حاکم و آنچه در چشم انداز انتظارات عمومی می باشد با زبان حق به جانب در رسانه ها حرف می زنند (رسانه هائی که بودجه آن را تا کراواتی که سخن گوی تلویزیون شورای مقاومت مثل قلاده به یقه اش آویزان کرده توسط پنتاگون تأمین شده است). ولی نقد پیشگام هیچ گاه نمی تواند تنها روی ضعف حریف تکیه کند، ضعف حریف به تنهائی حقانیت من را توجیه نمی کند، بلکه باید بتواند چشم اندازهای والاتری را مطرح سازد. مسعود رجوی با سازمانش به عنوان خدمتگذار سیاست های امپریالیستی هرگز قادر به چنین اثری در زمینه نقد اجتماعی نیست.

نکته دیگری که در اینجا باید توجه ما را جلب کند، همکاری اپوزیسیون های دیگر با «شورای ملی مقاومت» به رهبری مسعود رجوی می باشد. من اطلاع دقیقی از ترکیب این گروه ندارم، در ویکیپدیا از «سازمان مجاهدین خلق»، «جمعیت دفاع از دموکراسی و استقلال ایران»، «شاخه هویت از چریک های فدائی خلق اقلیت»، «کانون توحیدی اصناف»، «استادان دانشگاه ها و مدارس عالی» نام برده شده است با تعدادی زیر مجموعه های دیگر از اقلیت ها (...) که به ذخیره انبار مهمات برای تجزیه ایران تعلق دارد. تعداد دیگری مثل بنی صدر در این شورا شرکت داشته اند که از این شورا جدا شده اند.

ولی به طور کلی می توانیم بگوئیم نوعی تبنانی ناگفته و اعتراف نکردنی با این سازمان پنتاگونی وجود دارد، به عنوان مثال کانون نویسندگان در تبعید، یا سایت رنگین کمان به مدیریت فرهنگ قاسمی. به طور کلی اپوزیسیون های ایرانی در خارج از کشور عادت ندارند به سیاست های امپریالیستی غرب و پشتیبانی از گروه هائی مانند مجاهدین خلق انتقاد کنند و یا خیلی کمتر می توانیم از آنها انتظار داشته باشیم که چنین سیاست هائی را محکوم کنند و موضع اعتراضی اتخاذ کنند، علت این تبنانی شاید در این نکته نهفته باشد که هر دو از پنتاگون بودجه دریافت می کنند و هر دو علیه منافع ملی ایران به کشورشان خیانت می کنند. بهانه هر دو نیز ضعف ها و ارتجاع مذهبی حاکم است. هر دو در تبنانی با همان سیاست مخرب امپریالیستی هستند که ایران ویران شده و خسارات جانی ده ها میلیونی را آرزو می کند، تا مشتی اوباش بی پدر به کمک امپریالیسم جهانی و برای منافع نامشروع امپریالیست ها بر ویرانه های ایران حکومت کنند. البته و خوشبختانه قول خلافی است که به خودشان می دهند. ایرانی های واقعاً اصیل اجازه چنین کاری را به آنها نخواهند داد.

در نتیجه پیشگامان ایران بیش از پیش باید در افشای این گروه های پنتاگون ساخته مضمحل و مبتذل و کشورهائی که از آنها پشتیبانی می کنند بکوشند. بین کشورهای پشتیبان این تروریست های ضد ایرانی، پس از ایالات متحده و اسرائیل، فرانسه از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

گاهنامه هنر و مبارز / حمید محوی / پاریس

گاهنامه هنر و مبارزه

۲ مارچ ۲۰۱۵